

سلام کودکانه

دلم خنک شد

هوا حساسی گرم شده بود. دلم می‌خواست یک چیز خنک بخورم. از مامان اجازه گرفتم که امروز ناهار را من درست کنم. یک ناهار خوشمزه و خنک درست کردم. آبدوغ خیار.

مامان، بابا و داداش از من به خاطر غذای خوبی که درست کرده بودم، تشکر کردند.

ارسال نقاشی، قصه،

خاطرہ، عکس و ...

09354394576

 ୧୦୦୦୯୯୯

تصویر سازی ها: احمد حریمی

شہر قصہ

میمون بازیگوش

موشی و دوستانش می خواستند توپ بازی کنند، اما توپشان را پیدا نکردند. میمونک از بالای درخت توپ را نشان داد و گفت: «اگر می توانید ببایید و توپتون رو پس بگیرید». بعد خندید و روی شاخه دیگری پرید. موشی با اخم گفت: «واقعا که!»

میمونک به سمت مزرعه هویج رفت؛ از بالای درخت آویزان شد، یواشکی پشت خرگوشی را قلقلک داد و سریع به بالای درخت برگشت، خرگوشی اطرافش را نگاه کرد و کسی را ندید. دوباره مشغول چیدن هویج شد. میمونک دوباره کارش را تکرار کرد، خرگوشی به اطراف نگاه کرد اما کسی را ندید. بلند زد زیر خنده. خرگوشی با ناراحتی گفت: «واقعا که میمونک از شاخه ها بالا و پایین می پرید که جوجه ها طاووس را دید. جلورفت و گفت: «الان آقا گرگه رو که داشت به این جامیومد» رنگ جوجه ها پرید. با گریه به خانه برگشتند. خانم طاووس گفت: «چی شده؟ چرا گریه می کنید و می لرزید؟» جوجه ها گفتند: «میمونک گفت گرگ نزدیک خانه ماست» خانم طاووس با ناراحتی گفت: «از دست این میمون روز بعد، میمونک از این شاخه به آن شاخه می پرید

هنرمند کوچولو

عروسک‌های لیوانی

چی لازم داریم؟

لیوان یک بار مصرف کاغذی، چسب مایع، خرده‌های کاغذ رنگی، لوله‌های مقوایی، توپ تخم مرغی، ماژیک مشکی، کاموا یا پشم

چطوری درست کنیم؟

ته لیوان‌های کاغذی را در بیاورید. دور آن را شیار شیار قیچی کنید. حالا بالای لوله مقوایی کاغذ رنگی بچسبانید، تا بلوز عروسک شود. بلوز و دامن عروسک را روی لوله مقوایی بچسبانید. روی توپ تخم مرغی چشم و دهان بکشید. کاموا را به عنوان مو روی توپ تخم مرغی بچسبانید. بعد از خشک شدن، سر عروسک را هم به بدن عروسک بچسبانید. حالا عروسک‌ها آماده‌اند و کنار هم نشسته‌اند.

طاهره عرفانی

ماه‌ره عرفانی



معرفی کتاب

کلاس قصه خوانی خانم بروکس

دوستان خوب امروز می‌خواهم شما را با «میسی» آشنا کنم. میسی، دختری است که هیچ کتابی را دوست ندارد. اما خانم بروکس، کتابدار کتابخانه محل، عاشق کتاب است.

میسی روی هر کتابی که خانم بروکس به او معرفی می‌کند، ایرادی می‌گذارد. خانم بروکس ناامید نمی‌شود و تمام تلاشش را می‌کند تا میسی کتاب مناسبش را پیدا کند. شما می‌توانید ماجراهای میسی را در کتاب «کلاس قصه‌خوانی خانم بروکس: من اما باربارا با تتر بخوانید. این کتاب را خانم نسرين و کيلی ويژه کودکان بالای پنج سال به چاپ رسانده است.

برشی از کتاب

خانم بروکس کتابدار ماست. او عاشق کتاب است، خیلی زیاد.

او عاشق کتاب‌های «خرگوش فراری»، «بابار»، «سفر به سرزمین وحشی‌ها» و «کرم ابریشم گرسنه» است.

از خانم بروکس می‌پرسم چرا موقع کتاب خوانی لباس‌های مبدل می‌پوشد. او می‌گوید: «چون می‌خواهم شما هم به اندازه من از کتاب لذت ببرید.» فکر می‌کنم خانم بروکس یک کمی زیادی لذت می‌برد...



شعر

بادکنک ماهی کوچولو

به ماهی قشنگم
گفتم چقد تو نازی
یه بادکنک دارم من
میای بریم به بازی؟!

ماهیہ خندید و گفت:
خونہ من تو آ بہ
منم بادکنک دارم
بادکنکم حبابہ

شاعر: شہرام رفیعی



را ببیند و با او بازی کند، اما کسی را ندید. روی شاخه ای نشسته بود و داشت موز می خورد که لاک پشت را دید که آرام آرام نزدیک می شد، یک دفعه پرید جلوی لاک پشت! لاک پشت ترسید و توی لاکش رفت، میمونک شروع کرد به خندیدن! لاک پشت سرش را از لاک بیرون آورد و با عصبانیت به میمون گفت: «خجالت نمی کشی؟ مدام با کارهاات دیگران را وادیت می کنی!» میمونک با بغض گفت: «مگه من چی کار کردم؟» لاک پشت گفت: «دیروز توپ موشی و دوستاش رو برداشتی، خانم خرگوشی را وادیت کردی، جوجه های طاووس رو ترسوندی» میمونک سرش را پایین انداخت و گفت: «فقط می خواستم با او با بازی کنم». لاک پشت گفت: «اما او با ناراحت شدند به خاطر همین کارهاات تولد موشی دعوت نشدی» میمونک گفت: «اما منم می خوام بیام تولد». لاک پشت کمی فکر کرد و گفت: «تو با من بیا اما قول بده با دوستانات درست بازی کنی!» میمونک قول داد، بعد هم رفت و از بالای یک درخت چند تافندق خوشمزه و رسیده چید تا با دست پر به تولد موشی برود.

نویسنده: مهدیه حاجی زاده

سرگرمی و رنگ آمیزی

نقطه نقطه تا نقاشی

دوستان خوبم اعداد را به ترتیب به هم وصل کنید
تا تصویر کامل شود و بعد تصویر را رنگ آمیزی
کنید.

